پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۸۵ـ۳۱۶ (مقاله پژوهشی)

No. 40, Spring & Summer 2020

بررسی تطبیقی گفتمان اسلامی کنترل جرایم با دیگر گفتمان‌های رایج

ابراهیم یاقوتی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۲۴ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱۴)

چکیده

در آموزه‌های اسلامی نمونه‌های فراوانی از شیوه‌های کنترل جرایم در رفتار، کردار و گفتار معصومین بازتاب یافته است که همه آنها را می‌توان در ذیل دستگاه فکری مستقلی به نام گفتمان اسلامی کنترل جرایم دسته‌بندی کرد. در پژوهش حاضر سعی شده با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان براساس خوانش لاکلا و موفه به بررسی تطبیقی این گفتمان و گفتمان‌های رایج دیگر در مقوله کنترل جرایم اجتماعی و وجوه اشتراک و تمایز آنها پرداخته شود. جامعه آماری پژوهش متون اسلامی از جمله قرآن‌کریم، نهج‌البلاغه و روایات مختلف معصومین و متون تاریخی مربوط به مکاتب حقوقی می‌باشد که به صورت هدفمند انتخاب شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد استواری ساختار گفتمان اسلامی کنترل جرایم، بر دال مرکزی "توحیدباوری" موجب تمایز گفتمان اسلامی با دیگر گفتمان‌ها در تعریف، مرزبندی و کنترل جرایم می‌شود. گفتمان اسلامی با انعکاس همه جانبه و جامعی از نیازهای جرم‌شناسی، با روحیات و فطرت انسانی تطابق دارد و برای تمامی انسان‌ها چه در نظام اسلامی و چه در سایر نظام‌ها قابل اعمال است.

کلید واژه‌ها: *گفتمان اسلامی، کنترل جرایم، پیشگیری، بازپروری، اجتماع پذیری*

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
Yaghouti2010@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

مقدمه

داستان کج رفتاری و جرم، تاریخی به قدمت خلقت انسان دارد و در آیات مختلف قرآن کریم به عنوان مهمترین و متقن ترین منبع اسلامی، به شکل‌های مستقیم یا ضمنی، بر آن اشاره شده است. از این منظر تاریخ کنترل دینی جرایم، مقدم بر پیشگیری حقوق جزا و جرم شناسی است. شواهد قرآنی کنترل جرم را می‌توان در ماجرای قتل هابیل توسط قابیل،[۱] ماجرای خودداری حضرت یوسف(ع) از پذیرش درخواست زلیخا با روشن شدن برهان الهی به آن حضرت[۲] و نهی خداوند متعال از کشتن بچه‌های بی گناه مشرکان مکه توسط پدرانشان[۳] جستجو کرد.

در کنار این شواهد قرآنی، در دیگر آموزه‌های اسلامی، نمونه‌های فراوانی از شیوه‌های کنترل جرایم در رفتار و کردار و گفتار معصومین وجود دارد که همه آنها را می‌توان در ذیل دستگاه فکری مستقلی به نام گفتمان اسلامی کنترل جرایم دسته بندی نمود. مهمترین مسایل این دستگاه فکری همانند دیگر گفتمان‌های کنترل جرم در وجه کیفری آن کنترل کجروی‌ها و برساخت آنها به عنوان جرم، تشدید یا تسریع مجازات مجرمان؛ و در وجه ترمیمی آن (با اقتباس از مفهوم عدالت ترمیمی دورکیم)، تصریح مرز تمایز جرایم از غیرجرایم، جرم زدایی و زندان زدایی، اجرای عدالت قضایی (رفع تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی) و مهمتر از همه پیشگیری از جرم است.

بیان مسئله

اندیشه درباره کنترل جرایم تا قبل از متولد شدن دانش جامعه شناسی و جرم شناسی، آمیزه ای از معرفت دینی و فلسفی و اندیشه اجتماعی بود؛ اما با تفکیک معرفتی که به

---

۱. آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده.
۲. آیه ۲۴ سوره یوسف.
۳. آیه ۷ سوره تکویر.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

وجود آمد این اندیشه تصریح و تدقیق شد. (میرزامحمدی، ۳۴) نحله‌های مختلف دانش کنترل اجتماعی در ماتریس بررسی ابعاد مختلف معرفتی ذهنی- عینی و خرد- کلان فقط جنبه‌های محدودی از کجروی و جرم را می‌توانند مد نظر قرار داشته باشند و تلاش در جهت پیوند ابعاد مختلف به نظریه‌ای جامع منتهی نخواهد شد. در این میان برخی مکاتب مانند مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک در کنترل جرایم اجتماعی فقط بر کیفر تکیه دارند و در مقابل برخی مکاتب دیگر، مانند مکتب تحققی و دفاع اجتماعی سنتی، کیفر بر مبنای مسئولیت کیفری را مردود می‌دانند.

دانش حقوق مدرن، از حیث پیروی از مدرنیته دو ویژگی اساسی دارد:

الف) استقلال از دین و لذا جایگزینی دین با عقل تجربی به عنوان مبنای قاعده حقوقی

ب) وحدت‌گرایی، که به معنای رفع تکثر منابع حقوق (دین، دیگر انواع باورهای مابعدالطبیعی فرمان حاکم، برخی آداب و رسوم و ...) و حرکت به سمت مبنا بودن دولت برای قاعده حقوقی بر اساس عقل خودبنیاد (راسخ، ۱۳). در مدرنیته حقوقی، نقش دکترین حقوقی – مذهبی بسیار کمرنگ است؛ چراکه روش مدرسی[1] معتبر دانسته نمی شود. با این استدلال که یک نظام علمی واقعی و مبتنی بر عقل تجربی نمی تواند بر تعبد برآمده از متون سنتی استوار باشد و نیز این که علم واقعی باید بنای خود را در یک "سیستم" بیابد نه این که از مقایسه موردی به دست آمده باشد. (شهابی، ۷۷)

پیامد منفی گرایش سیاست جنایی به سمت پوزیتویسم و عقلانیت ابزاری، به شکل تحمیل ساختار و عملکرد خشونت بار قدرت در نظام‌های عدالت کیفری کشورها به ویژه سیاست جنایی کشورهای غیرغربی آشکار شده و صورت هژمونیک و ابزاری، در جهت عکس ارزش‌های اخلاقی همسو با عرف به محاق خواهد رفت. (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، ۷۴). بر این اساس گفتمان‌های حقوقی نیازمند در نظر گرفتن آموزه‌های دینی هستند.

دین اسلام به عنوان دینی توحیدی از توانمندی‌های ذاتی برای خلق یک نظام حقوقی

1. Scholastic.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

کارآمد برخوردار است که بر اساس آن می‌توان جرایم اجتماعی را با موفقیت کنترل نمـود. اما از منظری دیگر گفتمان سنتی سیاست جنایی اسلامی را نمی توان معادل گفتمان اصـیل اسلامی و سیاست حاکم بر فقه جزایی را نمی توان سیاست جنایی اسلامی نامیـد. سیاسـت جنایی، یک حوزه بین رشته ای از معرفت است که علاوه بر ابعاد ایدئولوژیک و نیز علمی، باید ویژگی مدیریتی (نه موردی و قیاسی و فتوایی) داشـته باشـد (همانجـا، ۸۱). بـر ایـن اساس شناخت گفتمان اصیل اسلامی در کنترل جرایم و کاربست آن در نظام حقـوقی لازم و ضروری است. در راستای این هدف در این تحقیق بین رشته ای به کمک دانـش جامعـه شناسی و شاخه جدید آن یعنی جامعه شناسی حقوقی (بـرول، ۸۸) قصـد داریـم بـا روش جدید تحلیل گفتمان، ضـمن تـدقیق رویکـرد اسـلامی کنتـرل جـرایم اجتمـاعی، آنـرا بـا رویکردهای رایج مقایسه کنیم. گفتمان‌ها مجسم کننده معنا و ارتباط اجتماعی، شکل دهنده ذهنیت و تعاملات سیاسی یا همان قدرت هستند. (یورگنسـن و فیلیـپس، ۱۷۷). پـژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه ای است که با بررسی مطالـب و رویکردهـای مختلـف حقوقی با روش توصیفی و تحلیل گفتمان لاکلا و موفه انجام گرفته است. برخـی از مفـاهیم کلیدی این نظریه در جدول زیر خلاصه شده است. (جدول۱).

در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات معتبر، ضمن بررسی پـژوهش‌هـای پیشـین مرتبط، آیات و روایت‌های مرتبط با موضوع جرم و کجروی و جلوگیری ، کنترل و مقابلـه با آنها، جهت استخراج گفتمان اسلامی و در بررسی گفتمان‌های رایج دیگر کتب مرتبط بـا اندیشه‌های حقوقی متفکران و نیز فرهنگ‌های علوم اجتماعی و حقوقی مورد کنکاش قـرار گرفته و مطالب مرتبط جهت تحلیل انتخاب شده است.

مفهوم	تعریف
عنصر	نشانه‌هایی که معانی چندگانه آنها هنوز تثبیت نشده‌اند.
مفصل بندی	هر عملی که عناصر و نشانه‌های مجزا را در ارتباط قرار دهد (تاجیک، ۴۶).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

دال مرکزی[1]	نشانه‌هایی که سایر نشانه‌ها در اطراف آن مفصل‌بندی می‌شوند و نظام معنایی می‌یابند.
دال شناور	نشانه‌هایی که هنوز در یک گفتمان تثبیت نشده‌اند.
هژمونی	هژمونی وقتی برقرار می‌شود که در رابطه میان دالها عناصر هویت اولیه خود را از دست می‌دهند تا به عنوان جزئی از یک گستره معنایی به حساب آیند (حسینی‌زاده، ۲۰).
غیریت[2] سازی	مفهوم غیریت‌سازی زمانی معنی می‌یابد که گفتمان‌ها به طرد و نفی یکدیگر می‌پردازند. غیریت سازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد ۱) تثبیت مرز برای هر هویت گفتمانی ۲) تولید دیگر برای تاسیس مرز ۳) از جهت آزمودن غیریت سیاسی برای نشان دادن محتمل و مشروط بودن هویت

جدول ۱- ابزارهای تحلیلی لاکلا و موفه (لاکلا و موفه،۱۳۹۳)

با انتخاب این روش پژوهشی، این مقاله قصد دارد به پاسخ سوالات کلیدی زیر دست یابد:

- دالهای اصلی گفتمان اسلامی کنترل جرایم اجتماعی چیست؟

- وجه تمایز گفتمان اسلامی در کنترل جرایم با دیگر گفتمان‌های رایج و دلایل برتری آن چیست؟

تعریف جرم در گفتمان اسلامی

جرم، از ریشه عربی ج ر م، به معانی قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار رفته است (بن احمد، ۱۱۹). و مجرم کسی است که از حق بریده و به باطل روی آورده است و بر کار ناپسند خود اصرار می‌ورزد (فیض، ۶۹).

در متون و منابع دینی، جرم یا جریمه و مشتقات آنها مترادف با گناه و در همان معنای

1. Nodal point
2. Otherness

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

لغوی به کار رفته است[۱] (رافعی، ۵۳۸). برخی فقها و مؤلفان دینی نیز جرم را گناه و ذنب (گناه) را جرم معنا کرده‌اند (عسکری، ۴۱۵).

بنابراین، جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارتست از انجام دادن فعل یا گفتن قولی که شارع مقدس آن را منع کرده است. به عبارت دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند به طوری که در آیه دوازدهم سوره مائده «یجرمنکم» به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه چهل و هشتم از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند.

همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرایم مانند قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهاد نمود. آیت‌الله خمینی (ره) نیز جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده و آن را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته، منتها شرطی را که قائل شده‌اند این است که لفظ جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده به طوری که می‌فرمایند: «هر کس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد به امام (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر تعزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد.»

در قانون مجازات اسلامی نیز از جرم تعریفی ارایه نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.»

تعریف حقوقی و جامعه‌شناختی جرم

علمای حقوقِ کیفری، هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. بطور دایم عقاید، استنباطها و تصورات درباره جرم و مصادیق آن در حال دگرگونی و عوض شدن

---

۱. سوره طه، آیه ۷۴؛ سوره معارج، آیه ۱۱.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

است.جرم همواره از نظر اجتماعی و با توجه به اجتماع تعریف شده است (وایت، ۱۹). هـر یک از این تعاریف، اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است.

الف- تعریف حقوقی: تعریف حقوق رسمی از جرم می‌گوید : هر چیـزی را کـه دولـت جرم تشخیص بدهد همان جرم است. اما در برداشت جامعه شناسانه دیـدگاههای مختلفـی مانند برداشت مبتنی بر آسیب اجتماعی، رویکرد مبتنـی بـر معیـار جهـانی و فرافرهنگـی، رویکرد برچسب زنی، دیدگاه مبتنی بر حقوق بشر، رویکرد مبتنی بـر "گونـاگونی و تنـوع رفتاری نوع انسان" هر کدام جرم را به شیوه ای متفاوت تعریف می‌کنند (همانجا، ۲۲).

ب- تعریف جامعه شـناختی: دورکیم در تعریف جامعه شناختی جرم معتقد اسـت جـرم چیزی نیست جزء کرداری که وجدان جمعی آن را ممنوع مـی‌دانـد (آرون، ۳۶۸). منظـور دورکیم از وجدان جمعی مجموعه باورها و احساسات مشترک در بین حد وسـط اعضـای یک جامعه است. به نظر دورکیم، این مجموعه "دستگاه معینی را تشکیل می‌دهد کـه دارای حیات خاص خویش است". این دستگاه پیوند دهنده ی نسلهای متمادی یـک جامعـه بـه همدیگر است.

دورکیم بر اساس گسترش و نیروی وجـدان جمعـی دو نـوع جامعـه جماعـت گـرا و ارگانیک و به تبع آن دو نوع نظام کنترل اجتماعی مبتنی بر حقوق تنبیهی و حقوق ترمیمـی را از همدیگر متمایز می‌کند. هر قدر وجدان جمعی قویتر باشد، خشم عمومی بر ضد جـرم یعنی بر ضد تخطئی از فرمانهای اجتماعی حادتر است. حقوق تنبیهی، که خطاها یا جرم را کیفر می‌دهد، و حقوق ترمیمی یا تعاونی، که ذات آن به کیفر رساندن افراد به دلیل تخطئـی شان از قواعد اجتماعی نیست، بلکه احیـای امـور در صـورت ارتکـاب خطـا، یـا ایجـاد همکاری بین افراد است.

از دیدگاه جامعه شناسی دورکیمی، جرم فقط از خارج و در قبال احوال وجدانی جامعه مورد بحث، تعریف می‌شود. این تعریفی عینی و واقع بینانه است. گفتن اینکه کسی از لحاظ جامعه‌شناسی مجرم است متضمن این نیست که وی نسبت به خدا یا نسبت بـه طـرز تلقـی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

خاص خود ما از عدالت، گناهکار است.مجرم کسی است که در یک جامعه معین از قواعد مدنی آن جامعه سرپیچی کرده است.

دورکیم جرم را به عنوان پدیده‌ای عمومی که هرگز نمی توان ریشه کن کرد (و اگر هم ممکن باشد نباید چنین بشود) تلقی می‌کرد. البته او جرم را از دیدگاه کارکردی له عنوان یک محرک مهم برای نوآوری و پیشرفت می‌دانست (کوزر، ۴۶۶) مید نیز مجازات مجرم را از دیدگاه کارکردی وسیله‌ای برای تثبیت انسجام جامعه می‌دانست (مید،۵۹۲)

تعریف جامعه شناختی جرم مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. آرون دو انتقاد بر این تعریف وارد می‌کند:

نخست اینکه؛ تعمیم و اشاعه این فکر روحاً جریحه‌دار کننده و مبتذل است زیرا در این معنا، نوآوران، منتقدان اجتماعی و مصلحان محتملاً شایسته آن خواهند بود که مجرم شناخته بشوند.

دوم اینکه؛ تعریف جامعه شناختی جرم منطقاً به نسبیت‌گرایی محض می‌کشد، که به صورت انتزاعی تصورش آسان است، لکن در واقع هیچکس حتی کسی که مبشر آن است حاضر به قبول آن نیست.

دورکیم پس از طرح نظریه جرم، نظریه کیفر را هم به آسانی از آن نتیجه می‌گیرد.وی تعابیر متعارف را که بر حسب آنها هدف کیفر، جلوگیری از تکرار جرم است با نوعی تحقیر رد می‌کند. به عقیده او، نقش و معنای کیفر، ترساندن یا مانع اقدام شدن (یا پیشگیری از جرم) نبوده و نقش کیفر، ارضای وجدان جمعی است.

زیرا همین وجدان جمعی است که با کردار یکی از اعضای اجتماع جریحه‌دار شده و وجدان جمعی غرامت می‌طلبد و مجازات گناهکار غرامتی است که به احساسات همگان داده می‌شود.

آرون در نقد نظریه کیفر دورکیم نیز معتقد است از رهگذر این نظریه حیثیت عدالت و اقتدار کیفرها تقویت نخواهد شد (آرون، ۳۶۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

انواع جرم: جرم را می‌توان به سوع نوع اصلی تقسیم نمود :

جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد، مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است و از حیث عنصر مادی، جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد.

جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زیانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد.[۱]

جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. مانند تخلف اعضای کانون‌های صنفی وکلا، سردفتران، پزشکان و... از مقررات صنفی یا گروهی آنها.

عناصر تشکیل دهنده جرم: جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل یافته است.

عنصر قانونی جرم: این عنصر حکایت از آن دارد که هیچ عملی را هر چند زشت و ناپسند و مذموم باشد، نمی توان جرم دانست مگر آنکه قانونگذار آن را جرم شناخته باشد. در آموزه‌های دینی اسلام دلیل‌هایی، بر ثبوت عنصر قانونی جرم دلالت دارند، از جمله آیه ۷ سوره طلاق[۲] و آیه‌ی ۲۸۶ سوره بقره[۳]، آیه ۱۵ سوره اسراء[۴] که بر تناسب بین تکلیف و توانایی فرد و اینکه تا وقتی که حکمی از جانب خدای تعالی نیامده است تکلیف نیست، و

---

۱. مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»

۲. لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

۳. لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۴. لا یکلّف اللّه نفساً الّا ما اتیها» و «لا یکلف اللّه نفسا الا وسعها» «ما کنّا معذّبین حتّی نبعث رسولاً».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

مادام که تکلیف نیست همه امور بر اصل جواز و اباحه باقی خواهد ماند تاکید دارند.

اصل اباحه در فقه نیز بدین معنی است که پیش از ورود قانون و نص قانونی دربـاره‌ی چیزی، آن چیز مباح و جایز است. بنابراین عملی را نمی‌توان گفت جـرم اسـت یـا حـرام است، مگر آنکه قانون به آن تصریح کرده باشد. بر اساس قاعده‌ی فقهی قبح عقاب بلا بیان (خراسانی، ۱۷۹)

کیفر کردن بدون بیان جرم و کیفر و بدون تصریح قانونی نسبت به آن، قبیح است، و چـون کار قبیح محال است به خداوند سبحان نسبت داده شود، پس خدای تعالی بـدون تصـریح بـه جرم و کیفر کسی را کیفر نخواهد داد چرا که عقلاً و شرعاً چنین کیفری عقاب بلابیان اسـت و عقاب بلابیان قبیح است، و خداوند منزه از فعل قبیح است. (عظیم‌زاده، ۱۱۱)

عنصر مادی جرم: برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عنصر مـادی ضرورت دارد و شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء ارتکاب عمل خاصی دست کم بـه مرحله فعلیت برسد؛ بنابراین قصد باطنی زمانی قابل مجازات است که تظـاهر خـارجی آن به صورت عملی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار آشکار شود. و عامل درونی ذاتی از قبیل فکر و طرح و قصد تا زمانی که در همین مرحله بماند از تعقیب جزائی مصون می‌ماند.

عنصر روانی جرم: برای تحقق جرم نقض اوامر و نـواهی قانونگـذار بـه تنهـایی کـافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شـناخت ارتکـاب جرم یا تظاهر نیت سوء است یا خطای مجرم، مشـروط بـر اینکـه فاعـل چنـین فعلـی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد.

گفتمان اسلامی کنترل جرایم

ساختار گفتمان اسلامی کنترل جرایم، بر دال مرکزی "جـرم سـتیزی در بسـتر توحیـد باوری" استوار است. این دال موجب تمایز گفتمان اسلامی با دیگر گفتمان‌هـا در تعریـف،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

مرزبندی و کنترل جرایم می شود. در مفصل بندی این گفتمان حول این دال مرکزی، نظامی معنایی از دال‌های "معادباوری"، "مجازات اسلامی"، "تاکید بر کرامت انسانی، "فرصت آفرینی برای اصلاح و بازگشت(توبه)"، "معیارها و الگوهای دینی"، "امر به معروف و نهی از منکر"، و"سلب فرصت ذهنیت جرم و گناه با شعایردینی" حضور دارند. در جدول زیر برخی شواهد قرانی یا روایی دالهای مذکور ذکر شده است.

دال گفتمانی	برخی شواهد قرآنی یا روایی
جرم ستیزی در بستر توحیدباوری	العلق:۱۴، الفجر :۱۴، غافر:۱۹
معادباوری	آل عمران:۳۰، هود: ۱۰۵ – ۱۰۸
مجازات اسلامی	بقره: ۱۸۷، ۱۷۹، ۲۲۹ و ۲۳۰، ۱۷۸، ۱۷۹؛ نساء ۱۳ و ۱۴، توبه ۹۷ و ۱۱۲، مجادله: ۴، طلاق: ۱، مائده: ۳۳ و۳۴؛ نساء: ۱۵، ۱۹ و ۲۵، نور: ۲، مائده: ۳۸، مائده: ۳۲ و ۴۵ و کهف: ۷۴؛ نور: ۴ و ۵ .
تاکید بر کرامت انسانی	اسرا۷۰، حجر ۲۹؛ هود: ۳، ۵۲، ۶۱؛ نور: ۳۱؛ تحریم: ۸
فرصت آفرینی برای اصلاح و بازگشت(توبه)	تحریم: ۸؛ نور: ۳۱: مائده ۳۹؛ انعام: ۵۴؛ نساء: ۱۷.
معیارها و الگوهای دینی	سیره ائمه معصومین
امر به معروف و نهی از منکر	بقره: ۴۴، ۸۳، آل‌عمران: ۱۰۵، ۲۰۰، ألاعراف: ۱۹۹، أنفال: ۲۴، توبه: ۷۱، نحل: ۹۰ و ۱۲۵، طه: ۱۳۲، عنکبوت: ۴۵، لقمان: ۱۷، سبأ: ۴۶، صف: ۲، آل‌عمران: ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۴، مائده: ۷۹، اعراف: ۱۵۷، ۱۶۵، توبه: ۶۷، ۱۱۲، هود: ۱۱۶، حج: ۴۱
سلب فرصت ذهنیت جرم و گناه با شعایردینی	البقره: ۵، ۴۵، ۲۳۸، ۲۷۷، عنکبوت: ۴۵؛ توبه: ۹۹، اعراف: ۶، توبه: ۱۰۴، بقره: ۲۷۲، انفال: ۶۰، سباء: ۳۹، آل‌عمران: ۹۲، حشر: ۹، بقره: ۱۷۷، حدید: ۷، بقره: ۲۶۱، بقره: ۲۷۱، نور: ۳۱، احزاب: ۵۹ و ۳۳؛ انفال: ۶۵، ابراهیم: ۷، الاسراء: ۲۹، نحل: ۹۷

جدول شماره ۲: برخی شواهد قرانی یا روایی دالهای گفتمان اسلامی کنترل جرایم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

حال به بررسی این دالها در منظومه گفتمان اسلامی می‌پردازیم:

جرم ستیزی در بستر توحیدباوری: آیات العلق: ۱۴[۱]، الفجر: ۱۴[۲]، غافر: ۱۹[۳] برخی شواهد قرانی این دال محسوب می‌شوند. مفهوم توحید در عبادت این است که انسان اولاً، تنها خداوند را مورد پرستش، تقدیس و تنزیه قرار دهد؛ در غیر این صورت، از جرگهٔ اهل توحید و حوزهٔ اسلام خارج خواهد بود. و ثانیاً، باید در تمام امور زندگی مطیع و تسلیم محض در مقابل خداوند باشد (طباطبایی، ۳۲۶/۹). ایمان به خدا و یاد او و اعتقاد به حضور او در همه جا و همه حال و اعتقاد به اینکه همه ما در محضر خدا هستیم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از جرم (گناه) است. تکرار واژه «بصیر» ۵۱ و واژه سمیع ۴۹ بار در قران در آیات متعدد نشان می‌دهد همه ما در محضر خدای بزرگ هستیم و هر عملی در هر جا چه در خفا و آشکارا انجام بدهیم خداوند به آن آگاه و در کمین انسان گناهکار است. نقشی که این عقیده در واپایش انسان و سرکوب طغیان غرایز حیوانی دارد، هیچ چیز دیگر چنین اثر و نقشی را ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او، در ریشه کن نمودن جرم، از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. در آیات و روایات آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم برای بازداری از گناه، بر ایمان، بسیار تکیه شده است (ابرندآبادی، ۴۴۷).

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «برترین مرحلهٔ ایمان انسان این است که بداند هرجا باشد خدا با اوست.» (سیوطی، ۱۷۱/۶). کسی که به این مرحله برسد در هر لحظه خود را از گناهان باز می‌دارد. در روایتی دیگر آمده است: خدا را آن چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را به خوبی می‌بیند (مجلسی، ۲۰۴/۲۵). امام موسی کاظم(ع)، نیز به یکی از فرزندان خود می‌فرماید: «فرزند عزیزم، بپرهیز از اینکه خداوند تو را در حال ارتکاب معصیتی ببیند که از آن منعت کرده است، و بپرهیز از اینکه خدای تعالی تو را در مقام طاعتی که به آن مأمورت ساخته است نیابد.»

---

۱. أَ لَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَرى

۲. إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصادِ

۳. یَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی الصُّدُورُ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

(ابن بابویه، ۴۰۸/۴).

معاد باوری: برخی شواهد قرانی این دال عبارتند از: آل عمران، ۳۰[۱]، هود، ۱۰۵ــ ۱۰۸[۲]. علامه طباطبائی مجموع آیات معاد را حدود دو هزار دانسته است (طباطبایی، ۱۸۳/۱). یکی از کارکردهای این تذکر، بازدارندگی انسان از گناه و جرم است. بر این اساس در گفتمان اسلامی کنترل جرایم، ایمان به معاد، دالی یادآور باور قلبی به یک زندگی ابدی است که همه چیز آن از روی حساب و نظم و با دریافت کیفر و پاداش اعمال است و هیچ‌کدام از نیکی‌ها و بدی‌های انسان نابود و فانی نخواهد شد.

اعمال مجرمانه و گناهان انسان، با ایمان به خدا و آخرت نسبت معکوس دارند؛ یعنی به هر نسبت که ایمان قوی تر باشد گناه و جرم کمتر است. حتی از برخی تعبیرات استفاده می‌شود که انسان اگر گمانی به وجود قیامت داشته باشد نیز از انجام بسیاری از اعمال خلاف خودداری می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۴۷۸/۱۸). برای درک معنای عمیق این رابطه خداوند در قران تعابیر لطیفی به کار گرفته است. خداوند برای بیان شدت سختی قیامت، و پاسخگویی انسان در قبال اعمال خود بدون کمک دیگران به قطع رابطهٔ نیرومند مادر– نوزاد مثال زده است. حوادث سخت قیامت، هم عاطفه را می‌گیرد «تذهل کل مرضعه» و هم عقل را: «تری النّاس سکاری» (قرائتی، ۱۵/۸).

مجازات اسلامی: برخی شواهد قرانی دال مجازات اسلامی عبارتند از: بقره، ۱۸۷[۳]

---

۱. يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

۲. ۞ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

۞فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

۞خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ

۞ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۖ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ

۳. أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ ۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۖ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

۱۷۹[۱]، ۲۲۹ و ۲۳۰[۲]؛ نساء، ۱۳-۱۵[۳] ۱۹[۴] و ۲۵[۵]، توبه ۹۷[۶] و ۱۱۲[۷]، مجادله: ۴[۸]، طلاق:۱[۹]، مائده: ۳۳ و۳۴[۱۰]؛ نور: ۲[۱۱]، مائده: ۳۸[۱۲]، بقره: ۱۷۸و ۱۷۹[۱۳] و مائده: ۳۲[۱۴] و

---

۱. وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۲. ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ ۖ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿﴾فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۳. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿﴾وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا ۖ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

۵. وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ ۚ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۚ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ ۚ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۶. الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۷. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

۸. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ۖ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۚ ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۚ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا

۱۰. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿﴾إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۖ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۱. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۲. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۱۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى ۖ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ ۚ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿﴾وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۱۴. مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

۴۵ [۱]و کهف: ۷۴[۲]؛ نور: ۴ و ۵.[۳]

اسلام با جرم انگاری برخی رفتارها همچون قتل، سرقت، ضرب و جرح، زنا و... و تعیین مجازات عادلانه برای مرتکبان آنها، در قالب حد و تعزیر، قصاص و دیه، جامعه بشری را به پیشگیری کیفری از جرم رهنمون کرده است. برای مثال کیفر قصاص به منظور صیانت از حیات اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرم و در نهایت اجرای عدالت کیفری است: «**و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب**» (البقره، ۱۷۹). در بستر این گفتمان، اجرای کیفر حدود برای ایجاد ترس و بازدارندگی فردی و همگانی و تعزیرات اسلامی به منظور تهذیب و اصلاح اخلاقی مجرمین است. در تشریع مجازات دیه اعم از دیه معین یا ارزش جزایی، بیش از هر چیزی جلب رضایت و تشفی خاطر مجنی علیه یا اولیای دم و در درجه دوم، رعایت عدالت کیفری ملحوظ نظر قانون گذار اسلامی بوده است (عظیم‌زاده اردبیلی، و ملک‌زاده، ۱۳۹۳). نظام کیفری اسلام در تشریع احکام و مجازات‌ها از یک فلسفه و سیاست کیفری الهام می‌گیرد؛ یعنی هم به فایده اجتماعی مجازات‌ها توجه می‌کند و هم اجرای عدالت کیفری و هم اصلاح و تربیت مجرمین (ولیدی، ۲۳۲)

در آیه ۲ سوره نور (**الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**)، درباره مجازات زنا تاکید شده که در اجرای حد الهی نباید گرفتار محبت و احساسات بی مورد شد، چون نتیجه ای جزء فساد و آلودگی اجتماع به بار نخواهد داشت. در نتیجه برای خنثی کردن تاثیر اینگونه احساسات و ترحم بی جا، مساله ایمان به خدا و روز جزا مطرح می‌شود. بر این اساس، دال مجازات اسلامی با دال مرکزی توحیدباوری و

---

۱. وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ۚ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ ۚ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۲. فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

۳. وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

دال معاد باوری در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد و این موجب تمایز مجازات در گفتمان اسلامی با دیگر گفتمان‌ها است.

مساله مهم دیگر آنکه در گفتمان اسلامی کلید واژه "گناه" موضوع حدود و تعزیزات اسلامی است. گناه تعدی و تجاوز از حدود الهی است که می توان آنرا به دو دسته اخلاقی و رفتاری تقسیم کرد. در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۱۴ سوره مطففین[۱] آمده است "رانَ عَلی قُلُوبِهِمْ یعنی گناهان مانند زنگی و غباری شد که روی جلای دلهاشان را گرفت و آن دلها را از تشخیص خیر و شر کور کرد". (علامه طباطبایی، ۲۰). بر این اساس از دیدگاه گفتمان اسلامی، گناه با اختلال در تشخیص خیر و شر عاملی مهم در ارتکاب جرایم تلقی می‌شود.

تاکید بر کرامت و حرمت انسانی: برخی شواهد قرانی این دال عبارتند از: اسرا۷۰[۲]، حجر ۲۹[۳]؛ هود: ۳[۴]، ۵۲[۵]، ۶۱[۶]؛ نور:۳۱[۷]؛ تحریم: ۸[۸]. در گفتمان اسلامی سرنوشت هیچ گروه یا فردی به طور مطلق، سقوط در عرصه گمراهی و بزهکاری تعیین نشده است و همواره راه بازگشت به انسانیت به روی افراد باز است[۹]. چرا که در این گفتمان همه

---

۱. كَلَّا ۖ بَلْ ۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

۲. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

۳. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.

۴. وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ.

۵. وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ.

۶. وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

۷. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۖ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۹. هود: ۳، ۵۲، ۶۱؛ نور: ۳۱؛ تحریم: ۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند. به استناد آیه ۷۰ سوره اسراء،کرامت شامل تمامی انسانها است و قیدی درباره آن وجود ندارد؛ در حالیکه از نگاه برخی مکاتب مانند مکتب تحققی و دانشمندانی چون لمبروزو و لاکاسانی گروه هایی از مجرمان فاقد کرامت ذاتی انسانی شناخته می‌شوند و با تعابیری چون جانی بالفطره یا مادرزادی، میکروب، انگل و امثال آن خطاب می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۲۰۸).

براساس گفتمان اسلامی هیچ انسانی ذاتاً مجرم نیست ولی اگر در محیط نامناسب به جای عزت و کرامت نفس اکتسابی، پستی و فرومایگی کسب کند به مجرمی خطرناک تبدیل می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه (تمیمی آمدی، ۶۷۷). یعنی کسی که دارای نفس کریمه و بلند شد آن را با گناه خوار نمی‌کند.

امام علی(ع) به والی مصر توصیه می کند که مردم هرچند دارای لغزش و گناه باشند حتی اگر مسلمان هم نباشند دارای شرافت و کرامت انسانی بوده و حاکمیت جامعه اسلامی نباید حقوق آنان را نادیده بگیرد. (ابن ابی الحدید، ۳۳).

همچنین با وجود تاکید گفتمان اسلامی بر مجازات اسلامی، رعایت حرمت مومن، حتی از مقدساتی چون کعبه نیز بالاتر تلقی شده است. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرمایند: المومن اعظم حرمه من الکعبه (مجلسی، ۷۱/۶۴)" حرمت مومن بیشتر از حرمت کعبه است".

فرصت آفرینی برای اصلاح و بازگشت(توبه): شواهد قرانی این دال را می‌توان در تحریم:۸؛ نور۳۱: مائده ۳۹ [۱]؛ انعام: ۵۴[۲]؛ نساء: ۱۷[۳] جستجو نمود. گفتمان اسلامی بر اساس دال کرامت انسانی، همیشه راه اصلاح و بازگشت انسانهای خطاکار را باز تلقی می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم در بیش از ۹۰ آیه، توبه را در قالب‌های مختلف مطرح و بیان نموده است و آن را مهم‌ترین عامل رهایی از دام گناهان و فساد، و باعث رستگاری انسان می‌داند. این آیات در بردارنده توجه این آیین توحیدی به اصلاح بزهکار

---

۱. فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۲. وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۳. إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

و مجرم است. در صورتی که در برخی مکتب‌های جرم شناسی کنونی گاه از بزهکـار قطـع امید شده حذف او را از جامعه توصیه می‌کنند.

حقیقت توبه بازگشت گناهکار به سوی خداوند کریم و غفور است که با ندامت از گنـاه و تصمیم بر عدم ارتکاب مجدّد آن تحقق می یابد. البته برخی، عزم بـر تـرک را در تحقـق توبه معتبر ندانسته‌اند. (النجفی الجواهری، ۱۰۹/۴۱ و ۱۱۴). توبه موجـب رحمـت خـدا و جلوگیری از ارتکاب گناه مجدد می گردد. در واقع توبه کردن نوعی عهد و پیمان بستن بـا خداست که نقض تعهد با خدا خود مجازات اخروی دارد واز این جهت نیـز توبـه پـس از تحقق‌اش خود نوعی تعهد است و می‌تواند در پیشگیری از ارتکاب جرم مؤثر باشد.

معیارها و الگوهای دینی: در گفتمان اسلامی کنترل جرایم برای پیشگیری از ارتکاب انسـان به جرم معیار و الگوی رفتاری معرفی می‌شود. رفتار و سیره پیـامبر اکـرم و معصـومین بهتـرین نمونه معیار رفتاری و الگوی دینی است. مثال‌های بسیاری در دین مبین اسـلام وجـود دارد کـه رفتار پیامبر یا ائمه سبب اصلاح افراد گناهکار شده است، در واقع منش این الگوهای صـالح در شخص مجرم تحولی ایجاد کرده سبب بازگشت وی از خوی مجرمانه می‌گردد. از طـرف دیگـر اسلام به تاثیرات بد همنشینی با افراد نا صلاح نیز در کجروی تاکید دارد.

معصومین در برخورد با گناهکاران و مجرمین از شـیوه‌هـای مختلـف چـون گفتگـوی دوجانبه، پند و اندرز، تألیف قلوب با کمکهـای اقتصـادی، تشـویق هـدایت شـدگان، و در موارد لازم از شیوه‌های سخت و تنبیهی نیز بهره می‌گرفتند. امیـر مؤمنـان حتـی در میـدان جنگ نیز برای هدایت متخلّفان و مخالفان از استدلال منطقی چشم‌پوشی نکرد. مـردی بـه نام ذاذان نقل می‌کند که «امیرمؤمنان در بازارهـا بـدون همـراه مـی‌گذشـت، گمشـدگان را راهنمایی می‌کرد، ناتوان را کمک می‌کرد و چون به فروشندگان و بقّالها می‌رسـید، قـرآن را در برابرشان می‌گشود و این آیه را تلاوت می‌کرد: آن سرای آخرت اسـت کـه آن را بـرای کسانی که قصد برتری جویی و فساد انگیزی در زمین ندارند، قـرار دادیـم و عاقبـت از آن پرهیز کاران است (سیدرضی، خطبه ۱۸۷).

از شیوه‌های نرم برخورد با مجرمین نیکی و کمک مالی است کـه در سـیره معصـومین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

زیاد به چشم می‌خورد. امیرمؤمنان در این باب فرمود: «اصلح المسیء بحسن فعالک و دلّ علی الخیر بجمیل مقالک؛ بد کار را با رفتار نیک اصلاح نما و با زیبا و خوب سخن گفتن او را به کار خیر راهنمائی کن.» (تمیمی آمدی، شماره ۲۳۰۴). و همچنین فرمود: «عاتب اخاک بالاحسان الیه، و اردد شرّه بالانعام علیه؛ سرزنش و ملامت کن برادر خود را (که به تو اهانت کرده) با احسان نمودن به او، و شرّ او را با هدیه دادن برطرف کن.» (مجلسی، ۸۲/۷۸). در حدیثی از امام هفتم تایید شده است که پیامبر اکرم یک بخش از بیت المال را به امر کمک مالی برای هدایت مجرمین اختصاص داده بود (حرعاملی، ۱۴۵/۶). از امام صادق(ع) نقل شده است که مردی را نزد امیرمؤمنان آوردند که استمنا کرده بود. امیرمؤمنان(ع) اوّل او را تأدیب نمود، سپس از بیت المال هزینه ازدواج وی را فراهم کرد و او را همسر داد (حر عاملی، ۵۷۴/۱۸).

علی(ع) در زمینه تشویق هدایت شدگان دستور کلّی می‌دهد و می‌فرماید: «ازجر المسیء بثواب المحسن؛ بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار از کار بد باز دار (و زجر بده).» (سیدرضی، حکمت ۱۷۷). اما در مواردی که روشهای نرم تربیتی تاثیری نداشته باشد، معصومین از شیوه‌های سخت و تنبهی بهره می‌گرفتند. این مسأله نیز در نهج البلاغه و رفتار علی(ع) مورد سفارش و استفاده قرار گرفته است. در کتاب جاذبه و دافعه امام علی(ع) اثر استاد مطهری نمونه‌های متعددی از شیوه‌های مختلف تربیتی نرم و سخت در برخورد با مجرمین و گناهکاران ذکر شده است.

امر به معروف و نهی از منکر: برخی شواهد قرانی این دال عبارتند از: بقره: ۴۴[۱]، ۸۳[۲]، آل‌عمران: ۱۰۵[۳]، ۲۰۰[۴]، أعراف: ۱۹۹[۵]، أنفال: ۲۴[۶]، توبه: ۷۱[۷]، نحل:

---

۱. أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۲. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ.

۳. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۵. خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۷. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

۹۰[۱] و ۱۲۵[۲]، طه: ۱۳۲[۳]، عنکبوت: ۴۵[۴]، لقمان: ۱۷[۵]، سبأ: ۴۶[۶]، صف: ۲[۷]، آل‌عمران: ۱۰۴[۸]، ۱۱۰[۹]، ۱۱۴[۱۰]، مائده: ۷۹[۱۱]، اعراف: ۱۵۷[۱۲]، ۱۶۵[۱۳]، توبه: ۶۷[۱۴]، ۱۱۲[۱۵]، هود: ۱۱۶[۱۶]، حج:۴۱[۱۷]. دال "امر به معروف و نهی از منکر" در منظومه گفتمان اسلامی بر این اساس معنا پیدا می‌کند که همه افراد جامعه در مقابل یکدیگر صاحب حق و تکلیف شناخته می شوند و سرنوشت فرد و جامعه و مصالح و مفاسد آنها در این نظام اجتماعی به هم گره خورده است. به عبارتی دیگر، جامعه خود واپایشی را در قالب حساسیت در مقابل قانون شکنی دیگران نشان می‌دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند ایمان را به

---

۱. إِنّ اللّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
۲. ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۖ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
۳. وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۖ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى
۴. اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ
۵. يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
۶. قُلْ إِنّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۖ أَنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمّ تَتَفَكَّرُوا ۚ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ
۷. يَا أَيّهَا الّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ
۸. وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
۹. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ ۗ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ
۱۰. يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصّالِحِينَ
۱۱. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُو
۱۲. الّذِينَ يَتّبِعُونَ الرّسُولَ النّبِيّ الْأُمّيّ الّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلّ لَهُمُ الطّيّبَاتِ وَيُحَرّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتّبَعُوا النّورَ الّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
۱۳. فَلَمّا نَسُوا مَا ذُكّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السّوءِ وَأَخَذْنَا الّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
۱۴. الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ ۚ نَسُوا اللّهَ فَنَسِيَهُمْ ۗ إِنّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
۱۵. التّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السّائِحُونَ الرّاكِعُونَ السّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ ۗ وَبَشّرِ الْمُؤْمِنِينَ
۱۶. فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلّا قَلِيلًا مِمّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتّبَعَ الّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ
۱۷. الّذِينَ إِنْ مَكّنّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصّلَاةَ وَآتَوُا الزّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

منظور تطهیر و پاکسازی انسان‌ها از هر نوع شرک واجب نموده و امر به معروف (کارهای پسندیده و دارای مصلحت) را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر (کارهای زشت و ناپسند که دارای مفسده برای فرد و جامعه هستند، مانند انواع جرایم و جنایات و گناهان) را به منظور بازداشتن افراد جامعه از سفاهت و بی‌خردی واجب نموده است» (سیدرضی، ۲۵۲).

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به یکدیگر، وظیفه دولت نسبت به مردم و وظیفه مردم نسبت به دولت پیش بینی و اعلام کرده اند.تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ابزار خوبی برای پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات اخلاقی است. مسئولیت دولت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، مانعی برای همکاری مردم با دولت اسلامی در راه امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود. زیرا این آموزه‌ها نه تنها روابط شهروندان نسبت به یکدیگر را پوشش می دهد و هریک از آنها را درقبال دیگران مسئول و پاسخگو می‌داند، بلکه مسئولیت شهروندان نسبت به دولتمردان و متصدیان بخش‌های مختلف حکومت را نیز به رسمیت می‌شناسد (حاجی‌ده‌آبادی، ۷۹).

سلب فرصت ذهنیت جرم و گناه با شعایردینی: شواهد قرانی این دال عبارتند از بقره: ۵[۱]، ۴۵[۲]، ۱۷۷[۳]، ۲۳۸[۴]، ۲۶۱[۵]، ۲۷۱-۲۷۲[۶]، ۲۷۷[۷]، عنکبوت: ۴۵[۸]؛ توبه:

---

۱. أُولَئِکَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ ۖ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
۲. وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
۳. لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۖ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَئِکَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۖ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ
۴. حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ
۵. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
۶. إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۖ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۚ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ
۷. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
۸. اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْکَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

۹۹[۱]، ۱۰۴[۲]، اعراف:۶ [۳]، انفال:۶۰ [۴]، ۶۵ [۵]، سباء:۳۹ [۶]،آل عمران:۹۲ [۷]،حشر:۹ [۸]،حدید:۷ [۹]، نور:۳۱ [۱۰]، احزاب: ۵۹ [۱۱]و ۳۳ [۱۲]؛ ابراهیم:۷ [۱۳]، الاسراء:۲۹ [۱۴]، نحل:۹۷ [۱۵]. در گفتمان اسلامی کنترل جرم، عمل به شعایر و احکام دینی در جهتی است که فرصت اندیشه گناه و ارتکاب جرم را از فرد سلب و یا انگیزه آنرا تضعیف می‌کند. برخی از مهمترین این شعایر دینی عبارتند از :نماز، انفاق و احسان(پرداخت زکات ، خمس و نفقه)، حجاب و عفاف،صبر، بردباری و شکرگزاری، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر.

در گفتمان اسلامی بین اجرای دقیق شعایر و احکام دینی و جلوگیری از جرم رابطه دو

---

۱. وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۚ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۚ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۲. أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۳. فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

۴. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

۵. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

۶. قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

۷. لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

۸. وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۹. آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

۱۰. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۲. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

۱۳. وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

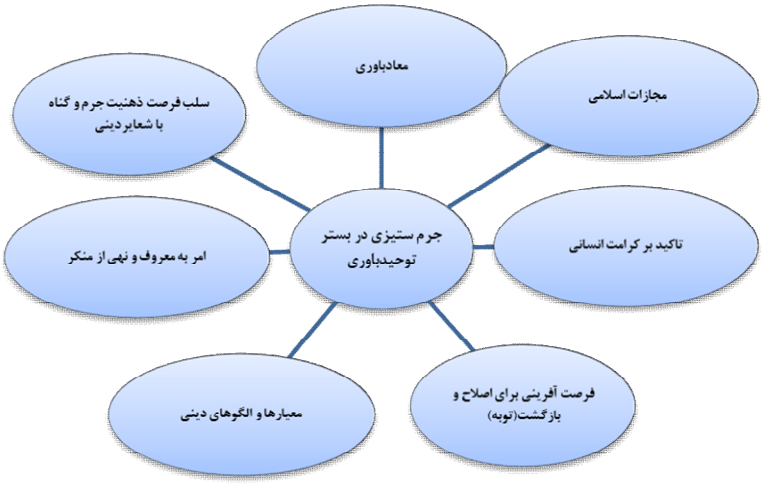
۱۴. وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا

۱۵. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

طرفه وجود دارد. به این معنا که با عمل به شعایر دینی امکان ارتکاب به گناه (جرم) کاهش می‌یابد و کسانی که کمتر به گناه آلوده می‌شوند نفس و ذات دین را بهتر و بیشتر درک می‌کنند. امام صادق(ع) می‌فرماید: کسی که دوست دارد بداند نمازش مورد قبول پروردگار قرارگرفته است یا نه باید بنگرد که آیا نمازش او را از گناه و انحراف باز می دارد یا نه. به هر مقدار که نماز او را از فحشا و منکر باز دارد به همان اندازه از نمازش پذیرفته شده است (مجلسی، ۱۶).



شکل شماره ۱: مفصل بندی گفتمان اسلامی کنترل جرم

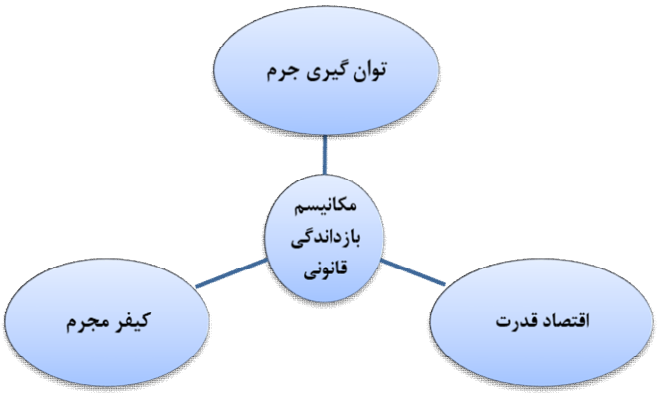
گفتمان‌های رایج کنترل جرایم

گفتمان‌های رایج کنترل جرایم اجتماعی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:

گفتمان مجازات یا سزادهی: یکی از گفتمان‌های تاریخی و عمده در حوزه مقابله با جرم و کجروی که همواره جایگاه خود را در این حوزه حفظ کرده است گفتمان مجازات یا سزادهی است. برخی افلاطون را از نخستین افراد مطرح کننده این گفتمان تلقی می‌کنند (نجفی توانا، ۱۸۱).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]



شکل شماره ۲: مفصل بندی گفتمان مجازات

در ساختار گفتمان مجازات حول نشانه مرکزی "مکانیسم بازدارندگی قانونی" نظام معنایی متشکل از دال‌های اصلی " کیفر مجرم"، "توان گیری جرم"، و" اقتصاد قدرت" شکل گرفته است. بر اساس این گفتمان تنبیه خطاکار و گرفتن انتقام از او با توجه به اصولی از جمله جبران خسارت زیان دیده و التیام بخشیدن به عواطف جریحه دار شده جامعه صورت می‌گیرد. تصمیم گیری درباره اینکه کدام شکل از مجازات (مجازات مثبت/ مجازات منفی یا مجازات نرم و بازدارنده/ مجازات سخت و سرکوب کننده) باید به کار گرفته شود بر اساس "اقتصاد قدرت" خواهد بود. از طرف دیگر این مجازات هم موجب می‌شود توان جرم‌های بیشتر از مجرم دست کم در دوران محکومیت سلب شود و هم اینکه با ایجاد بیم در خود فرد و دیگرانی که در معرض ارتکاب این رفتارها قرار دارند به عاملی بازدارنده تبدیل شود (سلیمی، ۵۱۷-۵۲۰).

گفتمان مجازات برخی از مفاهیم نظریه کلاسیک و دکترین بازدارندگی را بازتولید و راهکار پیشنهادی آنها را به کار می‌گیرد. در نظریه کلاسیک، محور اصلی نظام کنترل اجتماعی مقابله با کجرو و تکیه بر اصولی مانند "بازدارندگی" یا "پیش‌گیری از جرم از طریق مجازات" است. همچنین دکترین بازدارندگی بر اعمال کنترل اجتماعی رسمی به وسیله قضات و سایر عوامل اجرای قانون تاکید دارد. بر اساس این نظریه، مجازات مانع از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

ارتکاب جرم می‌شود؛ و هرچه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود (تیو، ۲۹).

گفتمان درمان و توان بخشی[1]

گفتمان مجازات مورد انتقادهای جدی قرار گرفته است. ناکارامدی آشکار این گفتمان به همراه تغییرات اجتماعی موجب باروری گفتمان دیگری در صحنه سیاست قضایی و حقوقی شد (سلیمی، ۵۲۰). در گفتمان درمان و توان بخشی با کمرنگ ساختن وجه کیفری با تاکید بر وجه ترمیمی عدالت، بر فراهم آوردن زمینه بازگشت مجرم به جامعه و برخوردار ساختن او از توانایی‌های زیستی و روانی و مهارتهای لازم برای این بازگشت تاکید می‌شود. در این گفتمان براساس حقوق ترمیمی برای اصلاح معایب حقوق تنبیهی با مرزبندی و تدقیق جرم از غیر جرم، بسیاری از رفتارها را از مرز جرائم کیفری خارج شده و به مرز درمانی و توان بخشی وارد می‌شوند.

براساس دال جامعه‌پذیری مجدد، کجروان در برابر فرایندهای یادگیری و درونی سازی دوباره هنجارها و ارزشهای اجتماعی قرار می‌گیرند. بهبود کیفیت و تدوین قوانین اصلاحی موسسه‌هایی که در فرایند جامعه پذیری مجدد دخیل هستند همانند زندانها، بیمارستانهای روانی، و سازمان بهزیستی می‌تواند بخشی از برنامه‌های درمان و توان بخش تلقی بشود.

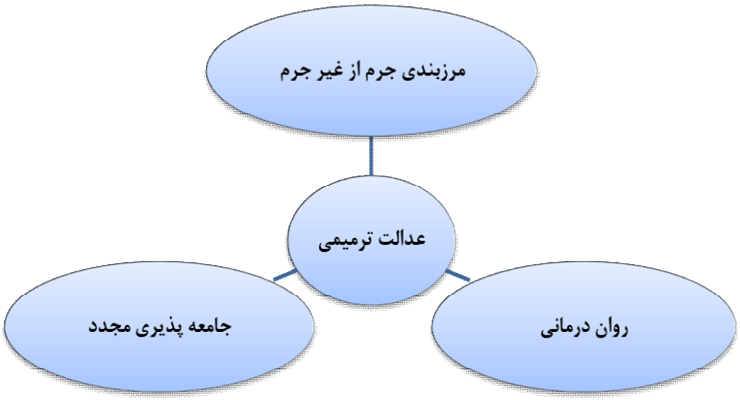
هدف اصلی روان درمانی[2] شکل دادن دوباره به "من" به صورتی مناسب تر و رضایت بخش تر است. روان درمانگری سنتی مانند روش فرویدی به تغییر در محتوا و ویژگی‌های اساسی شخصیت و روان افراد بیمار مربوط می‌شود. اما شیوه‌های جدید روان درمانی نیز وجود دارد. از آن جمله رفتار درمانی یا تعدیل رفتار است. رفتار درمانگران برآنند که تغییر در تصوری که فرد از خود دارد، پس از تغییر در رفتار او ظاهر می‌شود. این شیوه بر پاداش دهی استوار است (ستوده، ۱۲۱).

1. rehabilitation
2. psychotherapy

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

گفتمان درمان و توان بخشی برخی از مفاهیم نظریات پارادایم برساخت گـرا بـه ویـژه نظریه برچسب زنی و نظریه‌های تضاد را بازتولیـد و راهکـار پیشـنهادی آنهـا را بـه کـار می‌گیرد. پیشنهادات کنترلی نظریه برچسب زنی در قالب سیاست‌های منبعث از تغییر مسـیر از نظام رسمی به نظام غیر رسمی شامل برچسب زدایی، رفع بدنامی، جـرم زدایـی، حـبس زدایی، عدم مداخله، الگوهـا و برنامـه‌هـایی ماننـد قضـای احیـاگر، شـرم بازگردانـنـده و همایش‌های گروهی و خویشاوندان هر کدام به نوعی در رویکردهای کنترلی ایـن گفتمـان نیز به چشم می‌خورد (سلیمی، ۵۲۱-۵۲۵).



شکل شماره ۳: مفصل بندی گفتمان درمان و توان بخشی

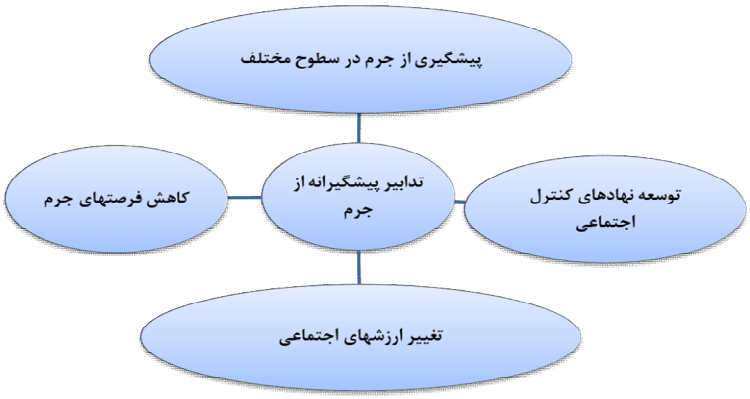
گفتمان پیش‌گیری از جرم

منظور از پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وقوع جرم و اتخاذ تـدابیر و اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع آن می‌باشد. هرچند حقـوق تنبیهـی نیـز بـه نـوعی پیشگیری از جرم را مدنظر دارد ولی ایـن پیشـگیری بیشـتر بـه اتخـاذ مجـازات و نقـش بازدارندگی و سلبی آن در جرایم مربوط می‌شود، در صورتیکه در گفتمان "پـیش‌گیـری" پیشگیری نه با اتخاذ مجازات و رویکرد سلبی، بلکه در قالب آسـیب شناسـی اجتمـاعی و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

اتخاذ رویکرد ایجابی مطرح می‌شود. اهمیت و کارآمدی پیش‌گیری، همواره توجه صاحبنظران جزایی و حوزه‌های سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. بکاریا پیش‌گیری از وقوع جرم را بهتر از کیفر دادن می‌داند و هدف اصلی هر قانونگذاری صحیح را پیش‌گیری از وقوع جرم می‌داند (سلیمی، ۵۲۵).

مفصل‌بندی گفتمان "پیشگیری از وقوع جرم" براساس پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع آن صورت می‌گیرد. در نتیجه دالهای شناور "توسعه نهادهای کنترل اجتماعی"، " کاهش فرصتهای جرم" و "تغییر ارزشهای اجتماعی" و پیشگیری از جرم در سه سطح "عمومی"، "اقشار در خطر" و "بزه‌دیدگان" معنا پیدا می‌کنند. این گفتمان به ویژه در برنامه پیشنهادی سازمان ملل برای پیش گیری از جرم قابل ردیابی است. (سلیمی، ۵۳۱-۵۳۲).



شکل شماره ۴: مفصل بندی گفتمان پیش گیری از جرم

مقایسه تطبیقی گفتمان اسلامی با گفتمان‌های رایج

هدف اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه گفتمان اسلامی با سه گفتمان رایج حوزه کنترل جرایم اجتماعی یعنی گفتمان مجازات، گفتمان درمان و توان بخشی و گفتمان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

پیشگیری بود. استواری ساختار گفتمان اسلامی کنترل جرایم، بر دال مرکزی "توحیدباوری" موجب تمایز گفتمان اسلامی با دیگر گفتمان‌ها در تعریف، مرزبندی و کنترل جرایم می شود. در این گفتمان اعتقاد به حضور خدا در همه جا و همه حال و اعتقاد به اینکه همه ما در محضر او هستیم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از جرم (گناه) است. در صورتی که ساختار دیگر گفتمان‌ها به نوعی بر انسان محوری و خودبسندگی ذاتی انسان و عدم اتصال به منبع الهی استوار است. در نتیجه نظام انذار و مجازات اسلامی نیز بر اساس معادباوری و عدم فناناپذیری اعمال خوب و بد انسان از دیگر انواع دیگر مجازات و گفتمان‌های مربوطه متمایز می‌شود. در این گفتمان همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند و هیچ انسانی ذاتاً مجرم نیست؛ ولی اگر در محیط نامناسب به جای عزت و کرامت نفس اکتسابی، پستی و فرومایگی کسب کند به مجرمی خطرناک تبدیل می‌شود.

در این گفتمان برخلاف برخی مکتب‌های جرم شناسی کنونی همیشه راه اصلاح و بازگشت انسانهای خطاکار را باز تلقی می‌شود و هرگز از بزهکار قطع امید نشده و حذف او را از جامعه توصیه نمی‌شود. در گفتمان اسلامی کنترل جرایم برای پیشگیری از ارتکاب انسان به جرم ضمن معرفی معیار و الگوی رفتاری انسانی، همه افراد جامعه در مقابل یکدیگر صاحب حق و تکلیف شناخته می شوند و سرنوشت فرد و جامعه و مصالح و مفاسد آنها در این نظام اجتماعی به هم گره خورده است. در گفتمان اسلامی عمل به شعایر دینی در راستای سلب فرصت اندیشه گناه و ارتکاب جرم و یا تضعیف انگیزه آن در فرد قرار دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

گفتمان	دال مرکزی	دالهای فرعی
مجازات	مکانیسم بازدانندگی قانونی	توان‌گیری جرم، اقتصاد قدرت، کیفر مجرم
درمان و توان بخشی	عدالت ترمیمی	مرزبندی جرم از غیر جرم، روان درمانی، جامعه‌پذیری مجدد
پیشگیری	تدابیر پیشگیرانه از جرم	پیشگیری از جرم در سطوح مختلف، توسعه نهادهای کنترل اجتماعی، تغییر ارزشهای اجتماعی، کاهش فرصتهای جرم
اسلامی	جرم ستیزی در بستر توحیدباوری	معادباوری، مجازات اسلامی، تاکید بر کرامت انسانی،فرصت آفرینی برای اصلاح و بازگشت (توبه)، معیارها و الگوهای دینی، امر به معروف و نهی از منکر، سلب فرصت ذهنیت جرم و گناه با شعایر دینی

جدول شماره ۳- مقایسه ساختار گفتمان‌های کنترل جرایم با گفتمان اسلامی

نتایج مقاله

گفتمان اسلامی براساس آموزه‌های قرآنی با برنامه‌هایی در راستای سعادت انسان، او را در رفیع‌ترین مقام و جایگاه قرار می‌دهد. یکی از این برنامه‌ها، ارائه شیوه‌هایی است که هم ذهن انسان و هم جسم انسان به سمت گناه و جرم تمایل پیدا نکند. این مکتب همچنین راهکارهایی برای انحراف احتمالی انسان به واسطه غفلت یا وسوسه‌های شیطان در قالب توبه ارایه می‌کند. هرچند دیگر گفتمان‌های رایج به ویژه مکاتب غربی در جهت کنترل جرم تلاش دارند اما گفتمان اسلامی بر گفتمان‌های رایج کنترل اجتماعی در ابعاد مختلف برتری دارد. علت این برتری را باید در این مساله جستجو کرد که:

۱- اسلام تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی مجرمانه بسنده

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

نکرده است و همانند مکاتب سزادهی تنها پیشگیری کیفری و مجازات مجرم را توصیه نکرده است، بلکه سیاست پیشگیری فراگیر و واقع بینانه‌ای را در این زمینه به عنوان مکمل ارائه داده است (صفاری، ۳۱۳).

۲- هرچند گفتمان‌های جهانی از گفتمان‌های مجازات یا عدالت سزاده و عدالت ارعابی به گفتمان‌های توان بخشی و درمان و پیشگیری یا عدالت بازپرور و عدالت ترمیمی چرخش یافته‌اند (میرزامحمدی و دیگران، ۱۳۹۴) و اینکار رهاورد چاره جویی برای مهار بحران‌هایی همچون افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و نارضایتی مردم از چیرگی هدف سزادهی بر منطق حاکم بر نظام‌های قضایی و پلیسی دولت‌های غربی است، اما "محوریت گفتمان اسلامی عدالت ترمیمی بر پایه اصول و تأسیسات متنوعی، از جمله ترغیب به بزه‌پوشی، عفو در تعزیرات حق اللهی و حق الناسی، در حد اصلاح ذات البین، حکمیت، شفاعت، ماهیت جبرانی دیه، قاعده لایبطل، قاعده جب توبه و ... حاکی از توانمندی سیاست جنایی اسلامی در اجرای عدالت ترمیمی بدون نواقصی است که سیاست جنایی غربی همچنان پس از چهار دهه از تولد این نظریه جرم شناسی با آن روبه‌روست. (ساریخانی، ۱۳۹۱).»

۳- در گفتمان اسلامی، انعکاس همه جانبه و جامعی از نیازهای جرم‌شناسی وجود دارد و در واقع اسلام نه به یک بخش خاص بلکه به ابعاد گوناگون چه از منظر فردی و چه اجتماعی می‌پردازد.

۴- گفتمان اسلامی با روحیات و فطرت انسان تطابق دارد و برای تمامی انسان‌ها چه در نظام اسلامی و چه در سایر نظام‌ها قابل اعمال است.

بر این اساس لازم است برای اجرایی شدن عملی این گفتمان و غلبه و استیلای آن در سیاست جنایی جهانی هم از نظر تئوری و هم از عملی، نهادهای علمی، قضایی و سیاسی و فرهنگی بسیج شوند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۸.

۳. ابن بابویه، محمّدبن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.

۴. آرون، ریمون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی (ترجمه باقر پرهام)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

۵. بی یرویش، مانفرد، زبان شناسی جدید(ترجمه محمدرضا باطنی)، تهران: نشر آگاه، چاپ دوم،۱۳۶۳.

۶. تاجیک، محمدرضا، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.

۷. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، با شرح جمال الدین محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۶۶.

۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، «امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره۱، ۱۳۸۳،

۹. حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت،۱۱۴۳ ق.

۱۰. حسینی‌زاده، سیدمحمد علی، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۳۸۳.

۱۱. خاقانی اصفهانی، مهدی و محمدعلی حاجی ده آبادی، بومی سازی سیاست جنایی با تاکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲.

۱۲. خراسانی، ملا محمدکاظم، کفایه الاصول، بی جا: چاپ ایران، بی‌تا.

۱۳. راسخ، محمد، مدرنیته و حقوق دینی، فصلنامه مفید، شماره ۶۴، ۱۳۸۶.

۱۴. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، فتح العزیز شرح الوجیز، بیروت:دارالفکر، بی تا.

۱۵. ساریخانی، عادل؛ خاقانی، مهدی، نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم، مجله پژوهش‌های زبان شناختی قران، مقاله ۳، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۴۹-۶۴ ، ۱۳۹۱.

۱۶. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۰.

۱۷. سلطانی، سیدعلی‌اصغر، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصل نامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۸۳.

۱۸. سلیمی، علی، و محمد داوری، جامعه شناسی کجروی، تهران : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ؛ ویراست دوم، چ ۳، ۱۳۸۶.

۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم : مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی(ره)، ۱۴۰۴ق.

۲۰. شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی، ۱۳۸۷.

۲۱. شهابی، مهدی، از حقوق سنتی تا حقوق مدرن؛ تاملی در مبانی تحول نظام حقوقی، فصلنامه نامه مفید، شماره ۷۶،۱۳۸۸.

۲۲. صفاری، علی(۱۳۸۸) مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۸.

۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا ، ۱۳۶۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]

۲۴. عسکری، حسن بن عبداللّه، الفروق اللغویه، قم:چاپ افست قم، بی تا.

۲۵. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و ملک زاده، فهیمه، پیشگیری از جرائم درآموزه‌های قرآن، فصلنامه قران و علوم بشـری، دوره ۲، شماره ۲، ، صفحه۱۰۷-۱۲۶، ۱۳۹۳.

۲۶. فاضل هندی، محمد بن حسن کشف اللثام ، چاپ سنگی، ۱۲۷۱ـ۱۲۷۴، قم : چاپ افست، ۱۴۰۵ ق.

۲۷. فتح اللّه، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، بی جا: دمام،۱۴۱۵ق.

۲۸. فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان،تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹.

۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درسهایی از قران، ۱۳۸۸.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۳۱. کوزر، لوئیس آلفرد و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.

۳۲. لوی- برول، هانری، جامعه شناسی حقوق، ترجمه دکتر سیدابولفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

۳۳. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: انتشارات صدرا،۱۳۶۴.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۵۳.

۳۵. میرزامحمدی، علی، محمدجواد زاهدی؛ امیر ملکی؛ پروانه دانش، ساخت گفتمان‌هـای کنتـرل اجتمـاعی مجلـس شورای اسلامی، مجله مجلس و راهبرد،دوره ۲۲، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۳۱-۷۲، ۱۳۹۴.

۳۶. میلنر، آندرو و جف براویت، درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.

۳۷. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، تهران: چاپ بهرام، ۱۳۷۷.

۳۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات جرم شناسی دوره کارشناسـی ارشـد، قـم: مجتمـع آمـوزش عـالی قـم، ۱۳۸۱-۸۲.

۳۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۳۰ق.

۴۰. وایت، راب و فیونا هاینس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح الله صدیق بطحـایی اصـل، تهـران: نشـر دادگستر،۱۳۸۲.

۴۱. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

۴۲. هاشم بیگی، حمید و علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشـنامه جـرم شناسـی، تهـران: انتشـارات دانشـگاه شـهید بهشتی،۱۳۷۷.

۴۳. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.

44. Jorgenson, M and Philips, L., Discourse analysis as theory and method, London: Sage Publications, 2002.

45. Laclau, E and Mouffe .Hegemony and socials strategy: toward a radical democratic. London: Verso, 1985.

46. Mead, G .H, Mind m Self, and Society, The university of Chicago Press, pp 173-178, 1943.

47. Schiffrin, Approaches to discourse, Oxford and Cambridge: Blackwell, 1994.

48. Thio, Alex .Deviant Behavior, 6th ed.Boston: Allyn and Bacon, 2001.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.12.8]